

نویسنده: دویدستکمن «David Stockman».
منبع و تاریخ نشر: انتی وار « 18-03-2026 ».
برگردان: پوهندوی دوکتور سیدحسام «مل».

اطلاعات بیشتر در مورد دروغ‌های بزرگ و بدبو درباره ایران

More on the Great Big Stinking Lies About Iran

قسمت چهارم مقاله

اکنون در بخش چهارم هستیم و ممکن است به نظر برسد که داریم آب گل‌آلود می‌کنیم.

اما نکته اینجاست: آنچه در خلیج فارس می‌گذرد، فراتر از کلمات فاسد است. دیوانه‌ی سرکش در دفتر بیضی‌شکل، آتشی را در آنجا شعله‌ور کرده است که می‌تواند کل اقتصاد و سیستم مالی جهانی را به فاجعه بکشاند - و نه فقط به این دلیل یا حتی عمدتاً به دلیل اینکه «۲۳» میلیون بشکه نفت در روز از ۱۰۵ میلیون بشکه مورد نیاز در سراسر جهان در معرض خطر است.

آنچه واقعاً در معرض خطر است، سیستم مالی جهانی است. دومی یک خانه‌ی پوشالی واقعی است که بر روی کوهی از بدهی، اهرم و مازاد سوداگرانه قرار دارد. بنابراین ممکن است ظرفیت یا تاب‌آوری لازم برای مقاومت در برابر شوک ناگهانی نفت (۲۰۰) دلار در هر بشکه را نداشته باشد.

با این حال و با این حال. کل عمل دیوانه‌وار و بی‌ملاحظه حمله نظامی گسترده به ملتی با ۹۰ میلیون نفر جمعیت که هیچ ظرفیتی برای تحمل آسیب نظامی به خاک اصلی ایالات متحده نداشت، مبتنی بر یکی از دروغ‌های بزرگ و متعفن تاریخ است. یعنی اینکه رژیم ایران لکه‌نگی منحصر به فرد و شیطانی بر چهره زمین است و ۴۷ سال را صرف آسیب، هرج و مرج و مرگ برای آمریکا و بخش زیادی از منطقه اطراف آن کرده است.

با این حال، حقیقت این است که هیچ چیز منحصر به فردی در مورد گناهان متعدد ایران وجود ندارد. این فقط یک دولت استبدادی معمولی دیگر است که توسط یک حکومت مذهبی قرون وسطایی اداره می‌شود و یکی از تاریک‌ترین استبدادهای دوران مدرن را تحمیل کرده است. بر این اساس، سختی‌ها و بدبختی‌های ناگفته‌ای را برای مردم خود به ارمغان آورده است - به ویژه از طریق اراذل و اوباش بی‌رحم سپاه پاسداران.

اما این عمدتاً کار تاسف‌بار روحانیون و متحدان سپاه پاسداران آنها است که در داخل مرزهای آن حکومت می‌کنند. وقتی صحبت از جهان خارج می‌شود، ایران از سال ۱۹۷۹ (و در واقع، نه در ۳۰۰ سال گذشته قبل از ملاحا) به هیچ کشور همسایه‌ای حمله نکرده است. در آن زمان، در دهه ۱۹۸۰ توسط صدام حسین با سلاح‌های آمریکایی و اروپایی مورد حمله وحشیانه قرار گرفت؛ در ۳۰ سال گذشته به طرز وحشیانه‌ای توسط تحریم‌های تجاری و جنگ اقتصادی و اشنگتن تحریم شده است؛ و دهه‌هاست که بی‌وقفه توسط جوخه‌های ترور اسرائیلی، خرابکاران و موشک‌ها و بمب‌های دوره‌ای مورد حمله قرار گرفته است.

در واقع، کل شعار «حامی اصلی تروریسم دولتی» به عنوان یک مضمون انتخاباتی بی‌بی نتانیا هو اعتبار بیشتری دارد تا به عنوان توصیف دقیقی از دنیای واقعی.

و نه، دروغ «چه ربطی به نیروهای نیابتی دارد» نیز کافی نیست. حتی یک نفر از به اصطلاح «نیروهای نیابتی» ایران در منطقه، توسط ملاحا به عنوان نوعی نیروی مزدور که توسط تهران استخدام، آموزش و تأمین مالی شده و به طور مصنوعی در خاک لبنان، سوریه، یمن و غزه مستقر شده‌اند، از ریشه و بن ساخته نشده‌اند.

برعکس، سه نفر اول از این گروه‌ها، جمعیت‌های شیعه‌ای را نشان می‌دادند که به دلیل پیوندهای اعتقادی و به دلیل اینکه در کشورهای خود در معرض خطر بودند، با برادران شیعه خود در ایران متحد شدند. به هر حال، تا زمانی که اسرائیل در اوایل دهه ۱۹۸۰ به جنوب لبنان حمله نکرد و اشغال سختی را تحمیل نکرد که ده‌ها هزار کشته بر جای گذاشت و به جنایات نسل‌کشی در صبرا و شتیلا منجر شد، حزب اللهی وجود نداشت. به همین ترتیب، دولت مرحوم اسد در سوریه علوی بود که شاخه‌ای از شیعه است و از سال ۱۹۶۷ تحت حکومت بشار اسد و پدرش، گاه و بیگاه با اسرائیل در جنگ بوده است. فارغ از مزایای نیم قرن مبارزه طولانی مدت با اسرائیلی‌ها، رژیم اسد برای تبدیل شدن به یک «نیابتی» نیازی به هیچ دستور جدیدی از تهران نداشت.

حتی در مورد یمن، این کشور از دهه ۱۹۶۰ میلادی به دلیل جنگ داخلی میان گروه‌های شیعه و سنی منطقه‌ای که برای قدرت می‌جنگیدند، دچار تفرقه و ویرانی شده است. البته، گروه حوثی‌ها که در شمال و غرب یمن مستقر هستند، شیعه هستند و با تهران متحد شده‌اند. جای تعجب نیست که مناطق سنی‌نشین جنوبی و شرقی این کشور با پادشاهی سنی عربستان سعودی که از سال ۲۰۱۵ بیشتر اوقات علیه حوثی‌ها جنگیده است همسوی بودند.

در نهایت، نیروهای حماس هر چقدر هم که شرور باشند، توسط ملاها متولد، بزرگ و تربیت نشده‌اند. اگر بخواهیم دقیق‌تر بگوییم، زندان روباز تحت حمایت اسرائیل در غزه و پنج دوره وحشیانه «چمن‌زنی» از طریق بمباران‌های وحشیانه از سال ۲۰۰۷ تاکنون، برای توضیح ظهور حماس بیش از حد کافی بود. در واقع، حماس عمدتاً سنی بود، نه شیعه، و تنها به دلیل داشتن یک دشمن مشترک با ایران همسو بود. حتی در آن زمان، بیشتر چمدان‌های پر از پولی که نتانیا هو سال به سال قبل از ۷ اکتبر اجازه ورود به غزه را می‌داد، پول سنی‌ها از کشورهای خلیج فارس بود، نه تأمین مالی نیابتی ایران. بنابراین، بله، درگیری و خشونت قابل توجهی در منطقه وجود داشته است، اما به طور خودکار توسط آیت‌الله‌ها فرماندهی نشده است. این درگیری‌ها ریشه عمیقی در درگیری‌های بومی منطقه دارد که مدت‌ها قبل از انقلاب اسلامی ۱۹۷۹ وجود داشته است.

البته وجه مشترک این است که هر چهار نیرو بومی منطقه بودند و جدا از هر اتفاقی که در تهران می‌افتاد، با اسرائیل اختلاف داشتند. این عمدتاً به این دلیل است که هر یک از این گروه‌ها به دلایل عمیق سیاسی اسرائیل، مستقیماً توسط بی‌بی نتانیا هو مورد حمله یا اهریمن جلوه داده می‌شدند.

به عنوان مثال، تنها دلیلی که حماس تا به امروز رونق داشته این است که بی‌بی نتانیا هو از طریق قطر آن را تأمین مالی می‌کرد تا تشکیلات خودگردان فلسطین را تضعیف کند. در عوض، این ترفند بدبینانه با هدف کنار گذاشتن هرگونه اجرای نهایی توافق اسلو و راه حل دو کشور با این استدلال که فلسطینی‌ها آنقدر دچار تفرقه و خشونت هستند که «کسی برای مذاکره وجود ندارد» انجام شد.

در هر صورت، اصل مطلب دروغ ۴۷ سال جنگ علیه آمریکا تقریباً به طور کامل از نبرد مداوم اسرائیل با چهار «نیروهای نیابتی» که به اشتباه «نیروهای نیابتی» نامیده می‌شوند و مداخلات مکرر، تأمین مالی و حمایت سیاسی و دیپلماتیک بین‌المللی و آشننگتن از اسرائیل ناشی می‌شود. و حتی در آن زمان، جانبداری به این شکل هیچ سودی برای امنیت داخلی آمریکا نداشت. با این حال، پیامدهای غیرضروری و قابل اجتناب جانبداری مداوم از اسرائیل در برابر این دشمنان منطقه‌ای بود که به این افسانه‌ی قدیمی دامن زد که ایران در طول ۴۷ سال از زمان انقلاب، بیش از «۱۰۰۰» آمریکایی را به قتل رسانده است. با این حال، یک بررسی ساده‌ی واقعیت که توسط گروک (۴) به درخواست ما انجام شد، این ادعای بی‌پایان کلیشه‌ای را رد می‌کند.

جدول زیر، تمام رویدادهای بین سال «۱۹۷۹» تا به امروز را که ظاهراً منجر به قتل آمریکایی‌ها توسط ایران شده است، به همراه تعداد قربانیان ادعایی و شرایط حمله، فهرست می‌کند. در واقع، برخی از این موارد دور از ذهن هستند، اما برای رفع این شک، تک‌تک آنها را در نظر گرفتیم. اما واقعیت‌های کلیدی در اینجا آمده است:

- هیچ‌یک از ۱۰۵۰ مرگ آمریکایی در این دوره در خاک آمریکا رخ نداده است.
- دقیقاً ۱۰۴۱ مورد از این مرگ‌ها به دست نیروهای نیابتی ادعایی ایران رخ داده است، در حالی که تنها (۹) مورد به ارتش ایران یا سایر سازمان‌های دولتی نسبت داده شده است.
- «1000» نفر یا ۹۶٪ از مرگ و میرهای آمریکایی در چارچوب استقرار نیروهای نظامی ایالات متحده در منطقه و جنگ‌های فعال و فعالیت‌های حفظ صلح ناشی از آن در لبنان، عراق، سوریه، یمن و سرزمین‌های مجاور و آب‌های ساحلی رخ داده است. درست است. هیچ‌یک از این استقرارهای نظامی ایالات متحده از پادگان‌های دریایی بیروت برای امنیت داخلی آمریکا ضروری نبود. برعکس، همه آنها جنگ‌های انتخابی بودند که در راستای الزامات امپراتوری انجام شدند. بر این اساس، مرگ و میرهای ناشی از آن به دلیل قرار دادن نادرست نظامیان و غیرنظامیان آمریکایی در معرض خطر است - و به ویژه از جانبداری در درگیری‌های نظامی محلی و منطقه‌ای که هیچ ارتباطی با واشنگتن نداشت.

Event Description	Iranian Agency or Proxy Involved	Americans Killed
Suicide car bombing at the U.S. Embassy in Beirut (April 1983)	Islamic Jihad (Iran-backed precursor to Hezbollah)	17
Truck bomb at U.S. Marine barracks in Beirut (October 1983)	Hezbollah (Iran-backed)	241
Bombing of U.S. Embassy annex in East Beirut (September 1984)	Hezbollah (Iran-backed)	2
Kidnapping, torture, and killing of CIA station chief William Buckley in Beirut (March 1984, killed 1985)	Islamic Jihad/Hezbollah (Iran-backed)	1
Hijacking of Kuwait Airways Flight 221, diverted to Tehran (December 1984)	Hezbollah (Iran-backed)	2
Hijacking of TWA Flight 847, killing of U.S. Navy diver Robert Stethem (June 1985)	Hezbollah (Iran-backed)	1
Kidnapping and killing of U.S. Marine Corps Col. William Higgins in southern Lebanon (July 1989)	Hezbollah (Iran-backed)	1
Van bomb attack on a bus near Kfar Darom, Gaza Strip (April 1995)	Palestinian Islamic Jihad (Iran-backed)	1
Suicide bombing on a bus in Jerusalem's Ramat Eshkol neighborhood (August 1995)	Hamas (Iran-backed)	1

Suicide bombing on a Jerusalem bus (February 1996)	Hamas (Iran-backed)	3
Truck bombing of Khobar Towers in Saudi Arabia (June 1996)	Hezbollah al-Hejaz (Iran-backed)	19
Suicide bombings at Ben Yehuda shopping mall in Jerusalem (September 1997)	Hamas (Iran-backed)	1
Suicide bombing at Sbarro pizzeria in Jerusalem (August 2001)	Hamas (Iran-backed)	3
Bombing at Hebrew University in Jerusalem (July 2002)	Hamas (Iran-backed)	5
Suicide bombing on a bus in Jerusalem (June 2003)	Hamas (Iran-backed)	1
Bombing killing U.S. diplomatic personnel in Gaza (October 2003)	Popular Resistance Committees (Iran-backed)	3
Attacks on U.S. troops in Iraq using weapons and support provided by Iran (2003–2011 cumulative)	Iranian-backed Iraqi militias	603
Killing of American-Israeli soldier Michael Levin during Second Lebanon War (August 2006)	Hezbollah (Iran-backed)	1
Attack on U.S. soldiers in Karbala, Iraq (January 2007)	IRGC Quds Force (Iran-backed militants)	5
Killing of two American-Israeli soldiers in Gaza during Operation Protective Edge (July 2014)	Hamas (Iran-backed)	2
Drive-by shooting in West Bank killing an American citizen (October 2015)	Hamas (Iran-backed)	1
Rocket attacks on Iraqi military base with U.S. troops (March 2020)	Iran-backed militias	2
Death of former FBI agent Robert Levinson in Iranian prison (March 2020)	Iranian government	1
Rocket attack killing U.S. citizen in Iraqi Kurdistan (September 2022)	IRGC (Iran direct)	1
Killing of American citizen in Baghdad (November 2022)	IRGC	1
Drone strike on coalition base near Hasakah, Syria (March 2023)	IRGC (Iran direct)	1
Hamas attack on southern Israel (October 7, 2023)	Hamas (Iran-backed)	46
Drone attack on U.S. military base in Jordan (Tower 22) (January 2024)	Kataib Hezbollah (Iran-backed)	3

Subtotals (point estimates for confirmed American fatalities linked to Iran/Iranian proxies since ~1979):

Subtotal Category	Americans Killed
All events, all sources ¹	1,050 (100%)
Events on American soil ²	0 (0%)
Events attributed to Iranian govt (direct IRGC/government actions) ³	9 (1%)
Events attributed to proxies ⁴	1,041 (99%)
Events related to deployment of American forces abroad ⁵	1,000 (95%)

زیرنویس ها (پا نویس ها)

(1) تخمین مرکزی از رویدادهای جزئی (حدود ۹۷۱) به علاوه موارد اضافه شده‌ی جزئی برای حمایت گسترده تر از نیروهای نیابتی (مثلاً افغانستان، حملات پراکنده پس از (2011) مطابق با گردآوری‌های دولت ایالات متحده که به بیش از «1000» مرگ مرتبط اشاره می‌کند.

(2) هیچ حمله‌ی مرگبار تأیید شده‌ی توسط سازمان‌ها/نیروهای ایرانی در خاک سرزمین اصلی ایالات متحده وجود ندارد.

(3) فقط اقدامات مستقیم (مثلاً برنامه ریزی / اعدام کربلا، مرگ لوینسون در بازداشت، حملات مستقیم منتخب) اکثریت قریب به اتفاق مرگ و میرها از طریق نیروهای نیابتی است.

(4) گروه‌های نیابتی (مثلاً حزب‌الله، حماس، کتائب حزب‌الله، سایر شبه‌نظامیان)؛ به صورت کل منهای رقم مستقیم دولتی محاسبه شده‌اند

(5) حوادث متمرکز بر ارتش در خارج از کشور (مثلاً بمب‌گذاری‌های بیروت، برج‌های خبار، عراق ۶۰۳، پایگاه‌های اخیر)؛ این رقم، کل را تشکیل می‌دهد. این ارقام از منابع معتبری مانند پنتاگون (مثلاً ۶۰۳ نفر در عراق)، کاخ سفید/وزارت امور خارجه (مثلاً ۴۶ نفر در ۷ اکتبر) و اندیشکده‌ها (AJC، FDD) گرفته شده‌اند؛ انتساب دقیق به دلیل طبقه‌بندی یا بحث‌های مربوط به مسئولیت غیرمستقیم کمی متفاوت است.

به طور خلاصه، شعار مرگ ۱۰۰۰ آمریکایی کاملاً و به طرز وحشتناکی اشتباه است زیرا این ارقام ناشی از اقدامات نظامی و اشنگتن در خاورمیانه است که کاملاً ناموجه بوده‌اند؛ و در نتیجه، جان آمریکایی‌ها را در معرض آسیب‌هایی علیه مردم محلی قرار داده است که دلیلی برای دفاع از خود در برابر حمله نظامی واقعی یا بالقوه ایالات متحده داشتند.

بنابراین، اگرچه همه این مرگ‌ها غم‌انگیز و غیر ضروری بودند، اما سوء استفاده نئوکان‌ها و دروغ‌های مربوط به آنها باید مورد تمسخر شدید قرار گیرد. به عبارت دیگر، چیزهایی که به دلیل تقصیر و اشنگتن در طول تقریباً نیم قرن نیازی به وقوع نداشتند، در هیچ دنیای منطقی به هیچ وجه به عنوان علت جنگ محسوب نمی‌شوند. در واقع، حتی اگر این مرگ‌های ناگوار را به عنوان آمار انتزاعی بدون زمینه یا سرزنش در نظر بگیرید، مطلقاً هیچ دلیلی برای شروع یک جنگ شبه‌جهانی در خلیج فارس وجود ندارد، جایی که سهم مهمی از نفت خام جهان، نفت تصفیه‌شده، LPG، گاز طبیعی مایع، گوگرد صنعتی و هلیوم حیاتی برای تولید تراشه‌های نیمه‌هادی و موارد دیگر را تأمین می‌کند.

برعکس، دیوانه‌ی دیوانه‌ای که در دفتر بیضی‌شکل بسیار قدرتمند مستقر است، منطقه و اقتصاد ایالات متحده و جهان را در آستانه‌ی یک تحول فاجعه‌بار قرار داده است، بر اساس روایتی کاملاً نادرست در مورد 1050 مرگ آمریکایی در طول 47 سال گذشته که بسیار

بیشتر از حوادث و خطرات عادی زندگی روزمره در آمریکا در همان دوره بوده است، مانند مرگ و میر ناشی از:

- تصادفات با ماشین چمن‌زنی: ۳۲۰۰ مرگ.
- نیش زنبور: ۳۹۰۰ مرگ.
- افتادن از تخت: ۱۰۳۰۰ مرگ.
- بازدید از مکزیک: ۴۰۰۰ آمریکایی در آنجا به قتل رسیدند.
- اصابت صاعقه: ۲۰۰۰ مرگ. • ایست قلبی در حین رابطه جنسی: ۸۰۰۰ مرگ.
- خانواده سکالر: ۵۰۰۰۰۰ مرگ. برای اینکه شکی نداشته باشید که مرگ آمریکایی‌هایی که ترامپ ادعا می‌کند انتقامشان را می‌گیرد، پس از اعلام جنگ و اشنگتن علیه ایران در دهه ۱۹۸۰ رخ داده است، به اصطلاح جنگ نفتکش‌ها و سرنگونی پرواز ۶۵۵ ایران ایر توسط نیروی دریایی ایالات متحده در ژوئیه ۱۹۸۸ توجه کنید.

همانطور که اتفاق افتاد، رئیس‌جمهور ریگان عاقلانه نیروی دریایی ایالات متحده را در فوریه ۱۹۸۴ از بیروت به یک ناو هواپیمابر مستقر در اعماق دریای مدیترانه منتقل کرد. با این حال، این اقدام محتاطانه به هیچ وجه پایان دخالت بی‌معنی و اشنگتن در منطقه خلیج فارس نبود. در واقع، «گرایش احمقانه و اشنگتن به عراق» اندکی پس از آن، زمانی که به اصطلاح «جنگ نفتکش‌ها» بین عراق و ایران چند ماه بعد آغاز شد، تشدید شد.

با به بن بست رسیدن جنگ زمینی، درگیری به خلیج فارس کشیده شد و هر دو طرف نفتکش‌ها را هدف قرار دادند تا اقتصاد طرف مقابل را از گرسنگی بکشند. با این حال، این عراق بود که در بهار ۱۹۸۴ حملات به کشتی‌های ایرانی را برای مختل کردن درآمدهای نفتی تهران آغاز کرد و در این حملات از موشک‌های آگزوست فرانسوی از جت‌های میراژ و هلیکوپترهای سوپرفرلون استفاده کرد. ایران اندکی پس از آن، با استفاده از مین، قایق‌های تندرو و موشک‌های کرم ابریشم، علیه نفتکش‌های عراقی و بی‌طرف، به ویژه نفتکش‌های متحد نزدیک صدام در کویت، تلافی کرد.

با این وجود، هیچ نفتکشی غرق نشد و در حالی که حق بیمه ریسک جنگ به طور قابل توجهی از ۰/۳ درصد ارزش بدنه قبل از جنگ نفتکش‌ها به ۲ تا ۳ درصد در طول سه سال بعد افزایش یافت، جنگ نفتکش‌ها به طور قابل توجهی به حجم متوسط حدود ۱۰ میلیون بشکه در روز که از تنگه هرمز عبور می‌کرد، آسیب رساند یا بر قیمت جهانی نفت تأثیر منفی گذاشت.

بر این اساس، جنگ نفتکش‌ها که با هیاهوی فراوان برگزار می‌شد، در واقع چیز عجیبی نبود. در دوره قبل از ورود آشکار ایالات متحده به نبردهای دریایی در ژوئن ۱۹۸۷،

تعداد سالانه نفتکش‌هایی که خالی از تنگه هرمز عبور می‌کردند و سپس با بار باز می‌گشتند، به طور متوسط کمی بیش از ۶۰۰۰ نفتکش در سال بود.

و در حالی که گاهی اوقات به دلیل حملات موشکی پس از آغاز جنگ نفتکش‌ها، خسارات کمی به این ترافیک نفتکش‌ها وارد می‌شد، تعداد کل حملات در دوره ۴۲ ماهه بعدی توسط متجاوز عراقی ۱۸۱ مورد یا کمی کمتر از ۱٪ از کل ترافیک نفتکش‌ها در این دوره بود. در همان زمان، تعداد قابل مقایسه برای ایران ۱۰۶ حمله و ۰٫۵٪ از ترافیک دو طرفه از طریق هرمز بود.

در هر صورت، از نظر عبور و مرور بیش از ۵۰۰ نفتکش به طور متوسط ماهانه در این دوره، این رقم بزرگی نبود.

تأثیر حملات جنگ نفتکش‌ها بر ترافیک دو طرفه از طریق تنگه هرمز، ۱۹۸۴ تا ژوئن

Impact Of Tanker War Strikes on Two-Way Traffic Thru The Strait of Hormuz, 1984 to June 1987

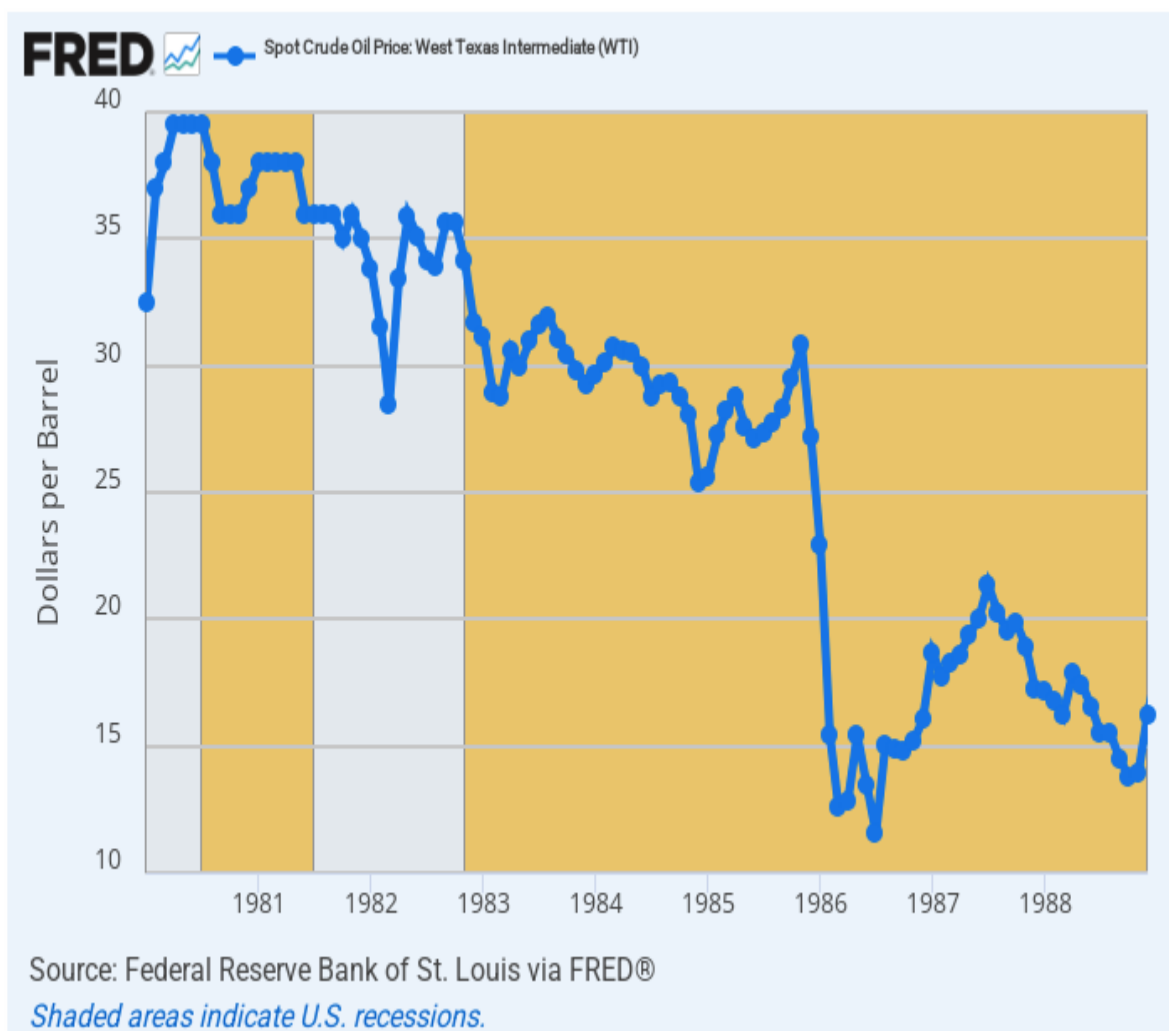
Year	Est. 2-way trips	Iraqi Strikes	Iranian Strikes	Iraq %	Iran %
1984	6,083	53	18	0.9%	0.3%
1985	6,083	33	14	0.5%	0.2%
1986	6,083	66	45	1.1%	0.7%
1987 (Jan-Jun)	3,042	29	29	1.0%	1.0%
Total	21,291	181	106	0.9%	0.5%

ناگفته نماند که تأثیر این امر بر قیمت جهانی نفت، که در حاشیه توسط جریان‌های نفتی خلیج فارس تعیین می‌شود، اساساً غیر قابل رمزگشایی بود.

در واقع، به دلیل عوامل جبران‌کننده در بازار جهانی، مانند افزایش تولید در دریای شمال، آلاسکا، عربستان سعودی و جاهای دیگر، و همچنین بهبود مداوم بهره‌وری انرژی جهانی، قیمت جهانی نفت از ۴۰ دلار در هر بشکه در اوج سال ۱۹۸۰ به ۱۵ دلار در هر بشکه در سال ۱۹۸۶ کاهش یافت. در واقع، در پایین‌ترین سطح چرخه در سال ۱۹۸۶، تولید کنندگان پرهزینه مانند تولیدکنندگان در ۴۸ ایالت پایینی ایالات متحده، در یک رکود واقعی نفتی فرو رفتند.

بنابراین، حتی زمانی که جنگ نفتکش‌ها در اوایل سال ۱۹۸۷ شدت گرفت، قیمت جهانی نفت به طور موقت به تنها ۲۰ دلار در هر بشکه افزایش یافت، اما با در نظر گرفتن تورم، این رقم به سختی یک سوم اوج قیمت‌ها تنها هفت سال قبل بود. بنابراین، به طور خلاصه، آقای مارکت کار خود را با تشویق افزایش تولید و بهبود مصرف انرژی به ازای هر دلار از تولید ناخالص داخلی در سراسر جهان انجام می‌داد. او به هیچ کمکی از نیروی دریایی ایالات متحده نیاز نداشت.

قیمت جهانی نفت (WTI)، ۱۹۸۰ تا ۱۹۸۹



بنابراین، در هیچ زمانی از جنگ نفتکش‌ها، دلیلی برای دخالت نیروی دریایی ایالات متحده در خلیج فارس به بهانه تثبیت تجارت و قیمت جهانی نفت وجود نداشت.

البته، این به هیچ وجه مبنای معتبری برای اقدام نظامی ایالات متحده در خارج از کشور نیست. تنها دلیل معتبر برای تعامل نظامی با قدرت‌های خارجی، مقابله با تهدیدات علیه خاک آمریکا است، اما بدیهی است که این تهدید به هیچ وجه، به هیچ شکلی یا شکلی توسط جنگ نفتکش‌های ایران و عراق تهدید نشد.

با این وجود، نگهبانان امپراتوری در سواحل پوتوماک نمی‌توانستند در چارچوب تمایل غیرقابل توجیه واشنگتن به عراق، از دخالت در امور دیگران خودداری کنند. بنابراین، رئیس‌جمهور ریگان متقاعد شد که در 24 ژوئیه 1987 عملیات "ارنست ویل" را تصویب کند که سپس به بزرگترین عملیات کاروان دریایی ایالات متحده از زمان جنگ جهانی دوم تبدیل شد.

این عملیات شامل تغییر پرچم نفتکش‌های کویتی و اسکورت آنها با کشتی‌های جنگی مانند ناو جنگی یو اس اس وینسنس بود. دومی که برای مقابله با تاکتیک‌های «گروهی» ایران، مانند تاکتیک‌هایی که قایق‌های تندرو سپاه برای آزار و اذیت کشتی‌ها به کار می‌گیرند، به خلیج فارس اعزام شده بود.

با این حال، از قضا، ورود واشنگتن به جنگ نفتکش‌ها در اواسط سال ۱۹۸۷، درست پس از آن رخ داد که باید زنگ خطری آشکار در مورد حماقت بی‌احتیاطی (FAFO) در بحبوحه جنگ داغ در خلیج فارس می‌بود. به عبارت دیگر، در ماه مه ۱۹۸۷، هواپیماهای جنگی میراث عراقی با حمله‌ای اشتباهاً «مه جنگ» به ناو یو اس اس استارک، ۳۷ ملوان آمریکایی راکشتند و به ناوچنان آسیب رساندند که بازسازی نهایی آن بیش از ۱۸۰ میلیون دلار هزینه داشت.

بنابراین، هشدار جدی در مورد قرار دادن پرسنل نظامی آمریکایی در معرض خطر بدون هیچ دلیل موجهی برای امنیت داخلی، به شیوه‌ای بلند و واضح داده شد. اما اندکی پس از آن، همزمان با اوج‌گیری تنش‌ها توسط ایالات متحده در آوریل ۱۹۸۸ تحت عملیات «آخوندک»، یک ناو جنگی دیگر آمریکایی به نام «یواس اس سا موئل بی» رابرتز» به یک مین ایرانی برخورد کرد که باعث مرگ و میر و خسارات بیشتری شد. بر این اساس، تا ژوئیه ۱۹۸۸، ناو وینسنس در حالت آماده‌باش کامل بود و بارها با قایق‌های گشتی سپاه درگیر شده بود. اما سپس فاجعه رخ داد.

صبح روز ۳ ژوئیه ۱۹۸۸، پرواز شماره ۶۵۵ ایران ایر، یک ایرباس A300B2-203 متعلق به شرکت هواپیمایی ملی ایران، از فرودگاه بین‌المللی بندرعباس در جنوب ایران حرکت کرد. این پرواز یک مسیر تجاری معمول از تهران به دبی از طریق توقف در بندرعباس بود و ۲۹۰ نفر - شامل ۲۰۸ مسافر بزرگسال، ۶۶ کودک و ۱۶ خدمه - را حمل می‌کرد. اکثر آنها تبعه ایران بودند، اما بارنا مه شامل ۱۰ هندی، ۶ اماراتی، ۱ ایتالیایی و افراد دیگری از ملیت‌های مختلف بود. هواپیما کاملاً بارگیری شده بود و به طور معمول در یک مسیر هوایی تجاری معتبر به نام Amber 59 بر فراز آب‌های سرزمینی ایران در تنگه هرمز اوج می‌گرفت.

از قضا، بندرعباس یک فرودگاه دو منظوره بود که هم برای مقاصد غیرنظامی و هم برای مقاصد نظامی مورد استفاده قرار می‌گرفت. این موضوع بدون شک به سردرگمی‌های بعدی افزود، زیرا جنگنده‌های F-14 Tomcat ایرانی - جت‌های ساخت آمریکا که قبل از انقلاب 1979 به ایران فروخته شده بودند - در آنجا مستقر بودند و این منطقه را به کانون فعالیت‌های نظامی در بحبوحه جنگ ایران و عراق تبدیل کرده بودند. تنها چند دقیقه قبل از پرواز، ناو جنگی USS Vincennes (CG-49) که یک رزم‌ناو و موشک‌انداز هدایت‌شونده از کلاس Ticonderoga مجهز به سیستم پیشرفته جنگی Aegis بود، در حدود 40 مایل دریایی در جنوب غربی بندرعباس درگیر یک درگیری سطحی با قایق‌های توپدار ایرانی شد.

ناو وینسنس، به فرماندهی کاپیتان ویلیام سی. راجرز سوم، صبح همان روز در حالی که قایق‌های تندروسپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران را تعقیب می‌کرد که بنا به گزارش‌ها از ناوچه یواس اس سایبز به یک هلیکوپتر آمریکایی شلیک کرده بودند - که باز هم نتیجه‌ی تمایل احمقانه‌ی واشنگتن به صدام بودوار دآب‌های سرزمینی ایران شده بود.

درگیری حاصل به یک درگیری مسلحانه بین **وینسنس** و یک کشتی جنگی دیگر آمریکایی، **ناوچه یواس اس المر مونتگومری**، تبدیل شد. سپس این دو کشتی نیروی دریایی ایالات متحده با ۱۳ قایق کوچک ایرانی مسلح به مسلسل و موشک‌انداز به تبادل آتش پرداختند. در بحبوحه‌ی این هرج و مرج، رادار وینسنس پرواز ۶۵۵ را که با سرعت حدود ۳۵۰ گره (تقریباً ۴۰۰ مایل در ساعت) از بندرعباس در حال اوج گرفتن بود و به سمت جنوب غربی به سمت دبی - مستقیماً به سمت موقعیت **وینسنس** - در حرکت بود، شناسایی کرد.

در آن لحظه، اپراتورهای مرکز اطلاعات رزمی وینسنس، هواپیمای در حال اوج‌گیری را به عنوان یک هواپیمای اف-۱۴ ایرانی که احتمالاً در حال حمله بود، اشتباه شناسایی کردند. سیستم ایجیس، که برای محیط‌های با تهدید بالا طراحی شده است، سیگنال ترانسپوندر هواپیما را به عنوان حالت III (غیرنظامی) نمایش داد، اما طبق گزارش‌ها، خدمه داده‌های متناقضی را مشاهده کردند و آن را به عنوان حالت II (نظامی) تفسیر کردند.

هواپیما در حال پخش سیگنال‌های اضطراری هوایی بین‌المللی بود و یک کد IFF غیرنظامی را پخش می‌کرد، اما خدمه **وینسنس** معتقد بودند که این سیگنال‌ها از تاکتیک‌های اف-۱۴ تقلید می‌کنند. استرس ناشی از نبردهای مداوم با قایق‌های توپدار، همراه با «تحقق سناریو» (جایی که اپراتورها داده‌ها را با تهدیدات مورد انتظار تطبیق می‌دهند)، منجر به خطای فاجعه‌بار بعدی شد.

کاپیتان راجرز هفت هشدار رادیویی از طریق کانال‌های نظامی و غیرنظامی صادر کرد و از هواپیما خواست مسیر خود را تغییر دهد یا خود را معرفی کند، اما خلبانان

پرواز ۶۵۵ که بر مسیر پرواز تجاری خود تمرکز داشتند و با کنترل ترافیک هوایی ارتباط برقرار می‌کردند، پاسخی ندادند. این احتمالاً به این دلیل است که آنها فرکانس نظامی که وینسنس با آن پینگ می‌کرد را رصد نمی‌کردند. بنابراین حدود ساعت ۱۰:۳۰ صبح، در حالی که هواپیما در ارتفاع ۱۳۵۰۰ پایی و ۱۱ مایل دریایی قرار داشت، راجرز دستور شلیک دو موشک زمین به هوای SM-2MR را صادر کرد. اولین موشک به بال راست هواپیما برخورد کرد و باعث متلاشی شدن آن در هوا شد. آوار و قطعات اجساد به تنگه هرمز باریدن گرفت.

تمام (۲۹۰) سرنشین هواپیما در جا یا در اثر برخورد با آب جان باختند. تیم‌های نجات ایرانی ۲۴۶ جسد را که بسیاری از آنها در اثر انفجار مثله شده یا در اثر حمله کوسه تکه تکه شده بودند، پیدا کردند. جعبه‌های سیاه هرگز پیدا نشدند، زیرا در آب‌های عمیق غرق شدند.

گزارش‌های اولیه ایالات متحده ادعا می‌کردند که هواپیما به طرز تهاجمی در خارج از راهروی خود در حال کاهش ارتفاع بوده و با یک F-14 اشتباه گرفته شده است. با این حال، تحقیقات بعدی پنتاگون (گزارش فوگارتی) روشن کرد که هواپیما با سرعت عادی در مسیر استاندارد خود در حال افزایش ارتفاع بوده است. این خطا به عوامل انسانی - استرس جنگی، تفسیر ضعیف داده‌ها و محدودیت‌های سیستم Aegis در تشخیص اهداف غیرنظامی از نظامی در فضای هوایی شلوغ - نسبت داده شد. طبیعتاً، ایران با اشاره به حمایت ایالات متحده از عراق و حوادث قبلی خلیج فارس، آن را به عنوان یک اقدام تروریستی عمدی محکوم کرد.

نیازی به گفتن نیست که این فاجعه بیش از هر رویداد دیگری در ۴۷ سال گذشته، تبلیغات "شیطان بزرگ" رژیم علیه آمریکا را تقویت کرد. بنابراین مطمئناً عذرخواهی فراوان و غرامت سخاوتمندانه از سوی واشنگتن لازم بود.

و با این حال - این اتفاق نیفتاد. در واقع، جورج اچ. دبلیو. بوش، مدیر سابق و سرسخت سیا و معاون رئیس جمهور فعلی ایالات متحده که در حال مبارزه برای ریاست جمهوری بود، در یک سخنرانی بدنام سازمان ملل متحد روشن کرد که هیچ عذرخواهی از سوی آمریکا در راه نخواهد بود و گفت - -

من هرگز از طرف ایالات متحده عذرخواهی نخواهم کرد - برایم مهم نیست واقعیت‌ها چه هستند... من از آن نوع آدم‌هایی نیستم که از طرف آمریکا عذرخواهی کنند.

البته، کمتر از دو سال بعد، همان جورج اچ. دبلیو. بوش ناگهان موضع خود را تغییر داد. به عبارت دیگر، پس از آنکه متحد عراقی آمریکا در حادثه هواپیمای مسافربری ایران، در یک مشاجره کوچک بر سر حفاری جهت‌دار در میدان نفتی عظیم رومالیه که در مرز

دو شریک سابق قرار داشت، به کویت حمله کرد، بوش اعلام کرد که «تجاوز» ادعایی صدام علیه کویت «تحمل نخواهد شد» و بدین ترتیب جنگ اول خلیج فارس را در اوایل سال ۱۹۹۰ آغاز کرد.

خوب، برای اینکه با صدای بلند فریاد زد. در پاسخ به این سوال که تنها دلیل معتبر برای حمله به هر کشور خارجی، که حمله واقعی یا قریب الوقوع به خاک ایالات متحده است، چه بوده است، پاسخ مطلقاً هیچ چیز نبوده است. از زمان بحران گروگان‌گیری در سفارت آمریکا در تهران، تا گرایش به عراق در زمان آغاز جنگ دهه ۱۹۸۰ با همسایه‌اش، تا استقرار تفنگداران دریایی ایالات متحده در بیروت، تا جنگ نفتکش‌های خلیج فارس، تا عمل شنیع سرنگونی یک هواپیمای مسافربری که احمقانه با یک هواپیمای جنگی اشتباه گرفته شد و کوچکترین شباهتی به ایرباس A300 پرواز ۶۵۵ ندارد.

با این حال، «جنگ ۴۷ ساله ایران علیه آمریکا» در پایان دهه ۱۹۸۰ در همین نقطه بود. و سپس، برای افزودن نمک بر زخم، نئوکان‌های اسرائیلی و واشنگتن در دهه ۱۹۹۰ و پس از آن وارد جنگ تمام‌عیار علیه رژیم ایران شدند، همانطور که در بخش ۵ به تفصیل توضیح خواهیم داد.

سطری چند در مورد نویسنده این مقاله :

دیوید استاکمن نماینده دو دوره کنگره از میثیگان بود. او همچنین مدیر دفتر مدیریت و بودجه در دوران ریاست جمهوری رونالد ریگان بود. استاکمن پس از ترک کاخ سفید، ۲۰ سال سابقه کار در وال استریت داشت. او نویسنده سه کتاب است: «پیروزی سیاست: چرا انقلاب ریگان شکست خورد»، «تغییر شکل بزرگ: فساد سرمایه‌داری در آمریکا، مغلوب شد! ملتی در آستانه ویرانی... و چگونه آن را بازگردانیم» و «حباب بزرگ پولی: از خود در برابر طوفان تورمی پیش رو محافظت کنید» که اخیراً منتشر شده است. او همچنین بنیانگذار «کنتراکورنر» دیوید استاکمن و «معامله‌گر مالی حباب» دیوید استاکمن است.

----- با تقدیم احترام «2026-03-28»